

شوون تکنیکی و فنی روز، سرسختی نشان می دهد و نمی تواند به عنوان زبانی علمی و انعطاف پذیر معرفی شود و همپای پیشرفت های علمی بشر به تمدن امروز خدمت کند.

اما چگونه زبان عربی نمی تواند پاسخگوی نیازهای متکلمان بدان باشد، درحالی که بیش از پانزده قرن زندگی پرافتخار را پشت سر گذاشته و حتی یک روز صاحبان خویش را تنها نگذاشته است؟

خداوند پاک و متعال، در این زبان ویژگی ها، انعطاف پذیری ها و زاینده گی هایی به ودیعت نهاده که آن را سزاوار ظرف بودن برای پیام جاوید خود کرده است و حفظ این پیام، تنها با حفظ و پایداری این زبان میسر می باشد. این زبان در پانزده قرن گذشته از عمر خود با چنان موانع و دشمنی هایی رو به رو بوده است که اگر هر زبان دیگری بود، امروز کم ترین اثری از آن دیده نمی شد و به طور کامل به فراموشی سپرده شده بود. اما با وجود همه این موانع و سنگ اندازی ها بر سر راه توسعه و تکاملش، همچون کوهی استوار در برابر تندبادهای مخالف از هر سو ایستاد و از این نظر پدیده ای استثنایی در میان دیگر زبان ها بود.

امروز اگر از مشهورترین شاعر انگلیسی، یعنی شکسپیر شعری به همان زبان اصلی وی بخوانید، چیزی از آن نخواهید فهمید؛ مگر آن که آن شعر به انگلیسی امروز، ترجمه و شرح شود و این درحالی می باشد که شکسپیر تنها ۲۸۲ سال پیش از دنیا رفته است.

اما اگر بر هر عرب زبانی در گستره ای به وسعت نواکشوت^۱ تا ذبی، این بیت ها از حطیبه^۲ با امرؤ القیس^۳ خوانده شود، بی شک آن را خواهد فهمید. حطیبه می گوید:

وَلَسْتُ أَرَى السَّعَادَةَ جَمْعَ مَالٍ
وَلَكِنَّ النَّقَى هُوَ السَّعِيدُ
وَتَقْوَى اللَّهِ خَيْرُ الزَّادِ دُخْرًا
وَعِنْدَ اللَّهِ لِلْأَتْقَى مَزِيدٌ^۴

یا این بیت ها از امرؤ القیس است که:

أَفَاطِمٌ مَهْلًا بَعْضَ هَذَا التَّدَلُّلِ
وَإِنْ كُنْتُ أَرَمَعْتُ الْفُرَاقَ فَأَجْمَلِي
أَعْرَبِي مَنَى أَنْ حَبِكِ قَاتِلِي
وَآتَكِ مَهْمًا تَأْمُرِي الْقَلْبَ يَفْعَلُ^۵

اگر این بیت ها برای هر عربی خوانده شود، آن را می فهمد و از شنیدن آن به وجد می آید؛ با این که این بیت ها بیش از پانزده قرن پیش سروده شده است.

آنچه از نظراتان خواهد گذشت، ترجمه مقاله ای با عنوان «العربية الصامدة وتحديات العصر» به قلم پژوهشگر فاضل، فداء یاسر الجندی است. این مقاله را در نخستین پیش شماره مجله «الرائد»، نشریه «مُنتدى اللغة العربية» وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی یافتیم. نشریه مزبور اولین نشریه کمک آموزشی زبان عربی در ایران است که در آبان سال ۱۳۷۷ منتشر شده و حاوی مقالات متعدد و ارزشمندی است که حکایت از دل مشغولی و عشق گروهی دلسوخته برای زبان عربی به عنوان زبان دین پرهای اسلام دارد.

یکی از راه های اصلی رواج بخشیدن به فرهنگ غنی اسلام عزیز، ترویج زبان عربی و توسعه بخشیدن به گستره آموزش عربی است؛ من نیز سال ها توفیق زانو زدن در محضر استادان عربی را داشته و سالیانی به آموزش عربی در سطوح گوناگون پرداخته ام. برای همین دریغ آمد که در تعمیم فایده این مقاله ارزشمند قدمی برندارم.

امید که روز به روز بر خیل مشتاقان فراگیری زبان و ادب عربی به عنوان زبانی راه گشا در فهم متون بلند قرآن کریم افزوده شود. این فراگیری، جهان شمولی ارزش های اخلاقی و دینی را برایمان به ارمان آورد و به عنوان زبانی توانا در گفت و گو میان نمایندگان تمدن ها پذیرفته شود و ما معتقدیم که این مهم تنها از عهده این زبان اصیل برمی آید.

در این شماره درصدد هستیم به سخن کسانی که زبان عربی را زبان ادبی و کهنه می دانند، پاسخ دهیم. زبانی که به ادعای آنان در برابر اهل خود، در جهت وضع واژه های جدید برای

پایداری و کارایی زبان عربی

نخستین آزمونی که زبان عربی در تاریخ خود با آن رو به رو شد، پذیرش فرآورده عقلی و فکری عظیمی از دین اسلام بود. محصولی که از دو سرچشمه اصلی، یعنی قرآن کریم و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله نشأت یافته بود و ده ها علم جدید نظیر فقه، اصول، علوم رایج حدیث، کلام، علوم ادبی و ... را در خود داشت و زبان عربی در فراهم آوردن ده ها هزار اصطلاح جدید برای این علوم، توفیق لازم را به دست آورد و این کار بزرگ را با زایش، اشتقاق، ترکیب، مجاز و دیگر ابزارها و ویژگی هایی که مجال تفصیل آن ها در این مختصر نیست، به سامان رساند.

و اکنون، مراد ما تنها بیان این موفقیت چشمگیر، یعنی همراهی با تحوکی بزرگ، عمیق و فکری است که زبان عربی موجب تحقق آن شد. حافظ ابراهیم^۲ در این باره می گوید:

وَسِعَتْ كِتَابَ اللَّهِ لَفْظًا وَحِكْمَةً
وَمَا ضَيَّقَتْ عَنْ آيِهِ وَعِظَاتِهِ
فَكَيْفَ أَضْيَقُ الْيَوْمَ عَنْ وَصْفِ آلِهِ
وَتَسْجِيلِ أَسْمَاءِ لِمُخْتَرَعَاتِهِ^۳

دومین امتحانی که زبان عربی با آن رو به رو شد، رخدادی بود که از اواخر روزگار اموی و اوایل عصر عباسی، یعنی قرن دوم هجری به وجود آمد.

پس از آن که فتوحات [اسلامی] پایان و دولت [اسلامی] استقرار یافت و عرب، کار انتقال میراث علمی ملت های متمدن آن روزگار، یعنی هندیان، ایرانیان، رومیان و یونانیان را آغازید، زبان جاویدشان در انتقال این علوم تنهایشان نگذاشت؛ بویژه در انتقال از زبان یونانی که عظیم ترین و ریشه دارترین این تمدن ها بود.

توانمندی های زبان عربی، زنده و پویا بودن آن از سویی و اخلاصی که عالمان آن از خود در حفظ زبان و امت خود نشان دادند از سوی دیگر، آنان را در این کار بزرگ یاری رساند. کسانی که در پی آشنایی بیش تر و شرح این کار بزرگ - که نوابغ عرب زبان آن را به انجام رساندند - هستند، به کتاب ارزشمند و کم نظیر *العربیة لغة العلوم والتقنية* (عربی، زبان دانش و تکنیک) اثر دکتر عبدالصبور شاهین مراجعه کنند. خواننده در این کتاب، بحثی زیبا و استوار را می بیند که چگونه مترجمان و دانشمندان بزرگ مانند حنین بن اسحاق، رازی و ابن سینا توانستند میراث علمی بیگانه را به زبان عربی که زبان شعر و مملقات شناخته می شد، به شایستگی و در نهایت اقتدار منتقل سازند و ده ها هزار اصطلاح جدید علمی را به زبان عربی بیفزایند که تا امروز نیز مورد استفاده است.

دکتر شاهین در انتهای کتاب یادشده، معجم (فرهنگ) بیماری های چشم را با اقتباس از کتاب «قانون» ابن سینا آورده است و برای هر بیننده این فرهنگ، توان برتر زبان عربی به عنوان یک زبان علمی، آشکارا رخ می نماید. ضمن آن که، چیره دستی و تفوق زبانی و واژگانی ابن سینا و پابندی شدید وی و همتایانش را در حفظ اصالت و میراث خود به نمایش می گذارد.

دکتر عبدالصبور شاهین در این باره می گوید: «پیشینیان اصیل ما در موضع خود نسبت به تمدن آن روزگار، به هیچ رو در برابر غنا و فراوانی اصطلاحات آن ها احساس خودکم بینی نمی کردند؛ بلکه به محض دریافت مفهوم، آن را در خدمت زبان عربی می گرفتند و با این کار، تفوق زبان خود را در آغاز و انجام کار تضمین کردند.

سومین و دشوارترین آزمونی که زبان عربی با آن برخورد و تا امروز نیز خود را در برابر آن می یابد، واقعیاتی می باشد که از اوایل قرن گذشته آغاز شده است. یعنی همزمان با بیداری عرب از خواب غفلت عقب ماندن از قافله تمدن؛ خوابی که عصر انحطاط نامیده می شود و در نهایت، دریافت این که جهان پیرامون شان دگرگون شده است و آنان در پله های پایین این نردبان قرار دارند. این در حالی است که در زمانی نه چندان دور، راهبر این قافله بوده، یا حداقل گستره حاکمیت شان بر بخشی عظیم از این کره خاکی مشهود بوده است.

بنابراین، وقتی تصمیم گرفتند وارد تمدن جدید - که با انقلاب صنعتی آغاز شده، به انفجار اطلاعات رسیده و جهت و فرجامش ناشناخته بود - شوند، خود را با موضوع زبان رو به رو یافتند. آنچه بر این دشواری می افزود، مبتلا شدن زبان به همان جمودی بود که خود بدان گرفتار آمده بودند.

دکتر مازن مبارک در کتاب *نحو و عی لغوی* (به سوی آگاهی زبانی) می گوید: «بیش ترین نمونه های واژگان در آن روزگار، پیکرهایی بی روح و مرده اند. زبان عربی، زبانی در مانده و ناتوان شده بود که تکلف و تصنع آن را در بند خود داشت و ذوق [غیرطبیعی] اهل آن، در کنار سیاست عسومی حاکمانش، آن را از زندگی عادی دور ساخته بود؛ زبانی کاملاً منزوی و در طول چند قرن برکنار از همه آنچه به زندگی اجتماعی، سیاسی، فکری و علمی مربوط می شود.»

در این فترت و با چنان وضعی که در آن به سر می برد، پرده های ضخیم میان شرق و غرب برداشته می شود و زبان عربی با همه ناتوانی و فقر لغوی، خود را در برابر تمدنی فراگیر، بزرگ و فزاینده و زندگی ای نو و دانشی با رشد سریع می یابد. بدیهی است که نتواند همپای این تمدن به راه خود ادامه دهد؛ زیرا اکنون

ناتوان تر از آن شده بود که حتی خود را به حرکت درآورد و این ناتوانی و وضعی که بدان ناگزیر شده بود، فرصتی برای دشمنانش فراهم آورد (رقم زد) تا تیرهای نکوهش و خرده گیری را به سوی روانه سازند و با بهره مندی از زبان و دیگر ابزارها، تیرهای تهمت را با هدف وارد آوردن آخرین ضربه به سوی نشان رونند و برای همیشه به آن پایان بخشند.

به این ترتیب، گویی برای زبان عربی تقدیر شده بود که با سخت ترین آزمون در تاریخ خود و پس از آن همه مصیبت رو به رو شود؛ مصیبت هایی از سه سو:

۱. از سوی مردم، خود به دلیل آن که سیادت و سیطره تمدن شان را از کف داده، از همپایی با قافله پرشتاب تمدن در عرصه های مختلف و از جمله در عرصه زبان بازمانده بودند.

۲. از سوی شمار فراوان اصطلاحات، تعبیرها و نام های جدیدی که روز به روز بر تعداد آن ها افزوده شده، راه خود را به سوی جهان عرب بخوبی شناخته بود.

۳. از سوی دشمنان خود، دشمنانی که فرصت مناسبی برای از بین بردن زبان عربی با ادعای ناتوانی این زبان در سازگاری با تمدن جدید یافته بودند و فتنه های ویرانگرشان را در سطحی گسترده منتشر می کردند. نظیر آن که اظهار داشتند: «بهرتر است در نگارش و تدریس به جای زبان فصیح، از زبان عامیانه بهره گرفته شود.»

یا این که: «خوب است زبان عربی را با حروف لاتین بنویسند.»

یا این که: «باید علوم جدید را به زبان پدیدآورندگان و واضعانش فراگرفت و از زبان عربی تنها در ادبیات، شعر و زندگی روزانه استفاده کرد.»

هر روز اختراعات و دانش های جدیدی همراه نام ها و اصطلاحات خود [و از نظر ما بیگانه] همچون سیل به سوی جهان عرب سرازیر می شد؛ به گونه ای که دفتر دائمی هماهنگی تعریب (المكتب الدائم لتنسيق التعریب) در رباط، میانگین نیاز به ساخت واژه و اصطلاح در برابر واژه ها و اصطلاحات بیگانه جدید را پنجاه واژه در هر روز اعلام کرد و خوانندگان این مقاله می توانند انبوه این اصطلاحات را که زبان عربی می بایست در برابر آن ها واژه ها و اصطلاحاتی را وضع کند و در این داد و ستد وارد شود، تصور کنند.

اما امروز ما نسبت به این مشکل در کدام نقطه قرار داریم؟ ما امروز بر سر دوراهی قرار داریم که انتخاب هریک از آن ها بس دشوار است. ما مصیبت ها و آزمون های دشواری را پشت سر گذاشته ایم که احتمال می رفت در هریک از آن ها، حیثیات

زبانی خود را از دست بدهیم. اما از سویی، به قله ای که شوق صعود به آن را داشتیم نیز نرسیده ایم و اکنون در حال رقابت و مسابقه با «زمان» هستیم تا به یاری خدا به آن مقصود متعالی دست یابیم.

آزمون دشواری که پشت سر گذاشته ایم، خروج سرفراز از توطئه ای بوده است که قصد داشت در شکاف پدید آمده میان ما و غرب، ما را به ترک زیانمان و عدم اعتنا بدان در عرصه علوم یا دانش های جدید وادارد و جایگزینی برای ما یابد.

فرانسه با همه توان، تحمیل چنین مرضی را در الجزایر تجربه کرد؛ اما با وجود گذشت ۱۳۰ سال تلاش استعمار فرانسه در این جهت، بازهم نتوانست زبان عربی را در آن دیار از زندگی مردم خارج کند و پیروزی در این نزاع از آن مردم الجزایر شد؛ مردمی که گذشته و حال شان این است:

شَعْبُ الْجَزَائِرِ مُسْلِمٌ
وَإِلَى الْعُرُوبِ يَنْتَسِبُ

آن توطئه در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن حاضر پابرجا بود؛ زیرا ما فاقد کسان یا مکان هایی بودیم که بتوانیم در برابر حجم فراوان اصطلاحات بیگانه - که همچون وبا به جان زمان ما افتاده بود و بی هیچ ضابطه و رقیبی به جنگ با زبان ما می پرداخت - مقاومت کنیم. اما امروز به لطف خداوند، آن وضع تغییر یافته و زبان عربی به واسطه زندگی، شادابی و غنای خود در کنار تلاش فرزندان مخلص و پاک باخته خود، توانسته است بار دیگر حرکت تازه ای بیآغازد و آن در جازدن و کندی در حرکت را پشت سر بگذارد.

بار دیگر تأکید می کنم که زبان عربی تا این لحظه نتوانسته است همه آنچه را که از دست داده است، جبران کند و هنوز در برابر آن، اهل و دوستانش نیاز فراوانی به کوشش و کار وجود دارد تا بتوانند به قافله پیشرفته برسند؛ اما با کمال خوشوقتی به سوی جلو در حرکت است و نه به پشت و در واقع راه خود را یافته است؛ زیرا از آغاز قرن حاضر فرهنگستان ها، مجامع علمی و گروه های متعددی پا به عرصه وجود گذاشته اند و اعضای آن تلاش های بسیاری را در این عرصه میزول داشته اند. در سطور آتی با ذکر نمونه هایی، راستی و درستی گفته خود را به اثبات می رسانیم. برای مثال، در همه دانشکده ها، مؤسسات وابسته و مراحل و سطوح مختلف در دانشگاه های سوریه از بدو تأسیس، زبان عربی مبنای کار بوده است و از این جهت به عنوان پیشوا و الگویی مناسب در بحث توانمندی زبان شناخته می شود. دکتر عبدالصبور شاهین می گوید: «زبان عربی هیچ آمیدی [به توفیق] جز در دانشگاه ها و گروه های آموزشی آن ندارد.»

گروه های آموزشی در دانشگاه های سوریه کارهای فراوانی را در عرصه تعریب انجام داده اند و گنجینه ای از اصطلاحات را به وجود آورده اند که به همه دانشگاه ها توصیه می کنیم از آن بهره گیرند.

دانشگاه های سودان نیز همکاری های نزدیکی با دانشگاه های سوریه در خصوص تعریب آموزش دانشگاهی در سودان داشته اند، نکته مهم آن است که زبان عربی با اقتدار توانسته است نیازهای همه شاخه های دانشگاهی اعم از پزشکی، مهندسی، شیمی، زمین شناسی و ... را برآورد.

از دکتر مأمون شقفه، پزشک عضو مجمع تعریب علوم پزشکی، در هنگام یک سخنرانی عمومی سؤال شد: «مهم ترین مشکلاتی که ضمن تعریب با آن مواجه شده اید، چه بوده است؟» و ایشان بلافاصله پاسخ داد: «در مواردی غنا و گستردگی زبان عربی، ما را به بیش از یک کلمه مناسب برای برگردان (ترجمه) اصطلاحی خاص می رساند و ما دچار این سرگردانی می شویم که: «کدام یک مناسب ترین است؟» در مواردی نیز گروه های مختلف، واژه های متفاوتی را پیشنهاد می دهند که این اختلاف به رواج چند اصطلاح برای یک مفهوم در سطح کشور و در میان گروه های مختلف آموزشی می شود.»

دکتر شقفه می افزاید: «تلاش ها در حال حاضر صرف تدوین یک فرهنگ پزشکی - عربی می شود تا بتواند به بحران تعدد برگردان ها (ترجمه ها) خاتمه دهد.»

از دیگر جمعیت های فعال در تعریب جمعیه لسان العرب (جمعیت زبان عربی) می باشد که دفتر آن در قاهره است. این جمعیت در اواخر سال گذشته، چهارمین گردهمایی سالانه خود را با عنوان «زبان عربی در هزاره سوم میلادی» زیر نظر دکتر عصمت عبدالمجید، دبیرکل اتحادیه عرب و به ریاست دکتر شوقی ضیف (رئیس فرهنگستان زبان عربی) برگزار کرد. در این گردهمایی حدود ۳۰۰ تن از استادان دانشگاه ها، صاحب نظران مسایل آموزشی، کارشناسان، محققان و علاقه مندان به زبان عربی و آموزش آن شرکت داشتند و در آن، پنجاه مقاله علمی - زبان پژوهی ارائه شد. این مقاله ها به بحث درباره محورهای گوناگون زبان و از جمله نقش زبان در ایجاد و تقویت هویت ملی، ترجمه و تعریب به زبان عربی، عصر اطلاعات و ... پرداخت.

همچنین شرکت کنندگان بر اعتماد خود به توان زبان عربی برای ورود به عصر اطلاعات تأکید کردند و در پایان، دکتر عاطف نصار، رئیس جمعیت زبان عربی، قطعنامه گردهمایی را قرائت کرد. در این قطعنامه چنین آمده: «لازم است به عنوان اولین گام

در همه مؤسسات آموزشی عالی و دانشکده ها به جز دانشکده های ویژه آموزش زبان عربی، دفتری برای وضع شیوه های خاص به کارگیری زبان عربی در تدریس، تحقیقات و رساله ها ایجاد شود و به دنبال آن، به کارگیری زبان عربی در همه علوم پایه تعمیم یابد.»

اخیراً در قاهره شصت و چهارمین گردهمایی اتحادیه فرهنگستان های زبان عربی برگزار شد. زبان شناسان عرب به عنوان مسؤلان زبان عربی در کشورهای عرب، در این همایش خواستار توجه به زبان و جدی گرفتن کار تعریب در سطحی علمی شدند. همچنین این اتحادیه خواستار تشکیل کمیته ای اجرایی برای تنظیم ضوابط کار اصطلاح سازی علمی - عربی با دعوت از نظریه پردازان و صاحب نظران شد.

این کمیته موظف شد کارهای پراکنده و انجام شده در گذشته را بستر تدوین کتابی راهنما قرار دهد تا بتواند مورد استفاده همه دست اندرکاران این عرصه اعم از فرهنگستان ها، گروه ها و اشخاص قرار گیرد.

در این جا برای نشان دادن تلاش های آگاهانه ای که از سوی بسیاری از گروه ها، جمعیت ها، مراکز و اشخاص صورت پذیرفته و نوبدبخش نهضتی زبانی برای برگرداندن زبان عربی به گذشته خود است، بسنده می کنیم و امیدواریم زبان عربی بتواند توانایی خود را در همراهی با نهضت نوین علمی به اثبات برساند.

.....

پی نوشت ها

۱. نواکشوت: (نواکشوت / Nouakchot)، مرکز موریتانی در نزدیکی ساحل اقیانوس اطلس.
۲. حطینه: (حطینه)، شاعری مخضرم از بنی عبس، او در جنگ های رده، در زمان ابوبکر شرکت داشت و شاعر مرتدان بود.
۳. امرؤالقیس: شاعری جاهلی که در نجد تولد و در آنکارا وفات یافت و از اصحاب معلقات به شمار می رود.
۴. من خوشبختی را در جمع ثروت نمی بینم و تنها خوشبخت و رستگار، شخصی با تقواست و تقوای خدا بهترین توشه و اندوخته است و برای شخص با تقوا نزد خداوند فزونی است.
۵. ای فاطمه! مهلتی ده و کمی این عشوہ گری را ترک کن و اگر قصد جدایی داری، به زیبایی جدا شو! آیا این که عشق تو کشنده من است، تو را مغرور کرده است و یا این که هرچه بفرماید، دل انجام می دهد؟
۶. حافظ ابراهیم: از بزرگترین شاعران معاصر عرب و مصری است و به شاعر التیل مشهور می باشد.
۷. زبان عربی هم از نظر لفظ و هم از نظر معنا، دستورات خدا را دربر گرفته است و آیه ها و پندهای این کتاب در این زبان دچار تنگی و نابسامانی نشده اند. پس چگونه امروز از وصف ابزاری و نام گذاری برای پدیده ای ناتوان است.
۸. تعریب: هم به معنی برگرداندن و ترجمه به عربی است و هم به معنی ریختن واژه ای غیرعربی در قالبی عربی؛ نظیر این که واژه تلفن به الهاتف یا التلیفون در عربی ترجمه شده است و در مواردی از آن فعل هم ساخته می شود؛ مثلاً: تَلْفَن (تلفن کرد / تماس گرفت).
۹. ملت الجزایر مسلمان و منسوب به عربیت است.